

۹ - مهم ترین مواد این انتقاد عبارت بود از :

" ۱ - عملکرد شاخه نشان میدهد که ما در این دوره یعنی از کنکوره تا پلنوم در مبارزه طبقاتی شرکت فعال نداشته - ایم انرژی ما هرز رفته است . یا مسئله احمد خائن نشانه این است که رفقا به آنها امتیاز دادند و حالا نتایج اش را می بینند . بعلاوه در قطعنامه مربوط به عملکرد کمیته مرکزی موقت انتقاداتی شد که مجدداً تکرار شده است رفقا در این مورد چه جوابی دارند ؟

۲ قطعنامه های کنکوره تا کنون پیاده نشده . مثلاً جوخه -

های رزمی ، کمیته های مخفی اعتصاب و سازمان در ایندوره دنباله رو حوادث بوده و مرکزیت به توده های تشکیلات اتکنا نداشته است و در رابطه با گزارش دهی زمانی انجام میگرفته است که اختلافات در مرکزیت اوج می یافته است .

۳ - ضعف سازماندهی منطبق بر سیاستهای سازمان و منطبق بر شرایط وجود داشته و مقصر مرکزیت سازمان است .

۴ - عدم آموزش کادرها

۵ - رهبری در عرصه تشکیلاتی ، سیاسی وایدئولوژیک دچار اشکالات اساسی بوده است در عرصه سیاسی : عدم

درک ضرورت های سیاسی و ناتوانی در ترویج ایده ها و بالاخره

بی عملی در برخورد با برنامه عمل و دنباله روی از حوادث

نشان داد شاخه های مختلف که مسائل را مطرح کردند در

یک وجه مشترک بودند و آن عدم وجود کادر سازی و عدم کنترل

و نظارت از سوی مرکزیت است .

۶ - عدم ارتباط منظم و ارگانیک بین شاخه ها و بخشها با

رهبری ، عدم اجرای اساسنامه " (اسناد پلنوم دیماه ۶)

۱۰ - بشرط اینکه توکل فردا هیئات راه نیاندازد که

امین روند " استراتژی ، تاکتیک ، سازماندهی " رانفی می کند!

۱۱ - من بیکبار در بحث قبل به این درک اکتونومیستی توکل که تصور می‌کنند سازمان انقلابیون حرفه ای یک چیز است و حزب طبقه کارگر یک چیز دیگر و عند اللزوم نخست باید اولی را ایجاد کرد ، بعد به دومی دست یافت ، اشاره کردم و نشان دادم که چگونه توکل طرح سازماندهی خود را با تن سپردن و دنباله روی از مراحل خود ویژه حرکات تاریخی و سپهر خود بخودی جنبش کمونیستی ایران (یعنی آنچه را که در پروسه جریانات چپ و مشخصا سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پشت سر گذاشت) قرار داده است و نه بر تجارب غنا یافته و تکامل بخش این روند . توکل با یک تحریک آشکار دیگر این روند را که بعلمت شرایط عینی ضعف تشکیلاتی و غلبه دیدگاههای پوپولیستی با انحرافات و اشکالات متعدد دلی شده است ، بجای خود بخودی بودن جنبش کمونیستی گذاشته و برای به حاشیه بردن بحث ها ، درباره آن قلم فرسائی فراوان کرده است . براساس توکل اگر تا این اندازه خود را مایوس نمیدید ، اگر حرفی برای زدن داشت ، اگر تا این درجه به فقدان استدلال دچار نشده بود ، مجبور نمیشد به این همه تحریف دست بزند و با یک جمله سرودم بریده اساس هر بحث را تغییر دهد . مگر آنکه اونیز همانند توده ای ها و اکثریتی ها ، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را با تمامی اشتباهات آن خارج از جنبش کمونیستی ایران ارزیابی کرده و به نظرات جدیدی رسیده باشد که " جرات " ندارد به صراحت آنها بیان کند . توکل فیلسوف ما هنوز نمی داند که هر جنبش آگاهانه بر بستر مادی معینی حرکت می کند که علیرغم آگاهانه بودن خود با محدودیت های عملی بسیاری در روند حرکت خویش تلاقی خواهد داشت که هر بار با تجربیات جدید بر آن غلبه خواهد یافت . هر برنامه هر

استراتژی و مشی سازمانی چنانچه به آخرین تجارب ایسن
 روند بی توجه بماند قطعا جز عقب ماندگی ، جز درجا زدن و
 شکست نصیبی نخواهد برد . توکل نمی داند حزب پرولتاریا
 نیز بمثابه آگاهترین بخش طبقه و ظائفی را پیش روی خود
 قرار میدهد که قادر به حل آنها ست و در تلاقی با موانع
 تاریخی در تقابل قرار نمیگیرد . نتیجه این موانع تاریخی و وظائفی
 که باید این موانع را از سر بگذرانند در فرایند هر دوره
 تاریخی ، وظائف نوینی را می آفرینند که بدون دست -
 یابی به آن ، تکامل به دوره های دیگری مطلقا امکانهد پر
 نخواهد بود . از این روست که در هر دوره تاریخی جدید
 چسبیدن به وظائف دوره قدیم که در نوع خود میتوانست وظیفه
 انقلابی تلقی شود ارتجاعی عمل می کند . اکنون میستهای امثال
 توکل در دورانهای تاریخی جدید وظائف قدیم را پیش روی
 خود می گذارند مثل اینکه بفرض يك سازمان سیاسی مدعی
 مارکسیسم مانیفست کمونیست را بدون غنای آن در تجربیات
 انقلاب ۵۰ - ۱۸۴۸ اروپا ، کمون پاریس انقلاب ۱۹۰۵
 روسیه ، اکتبر کبیر و جنبشهای رهائی بخش نیم قرن اخیر ،
 بمثابه برنامه ای کامل پیش روی خود قرار دهد . و من به این
 منظور بود که نوشتم : " اگر در عنفوان سالهای نخستین
 بنیانگذاری سازمان " تاکید رفیق مسعود بر " سازمان
 انقلابیون حرفه ای " مورد نظر خود ، " شالوده سازمانی
 مخفی فشرده و منقبط از روشنفکران انقلابی را پی می افکند ،
 سازمانی که میتوانست در ادامه خودیا بقول مسعود با تصحیح
 اشتباهات و انحرافات و طرح ریزی " نقشه ای طولانی و سر -
 سخت برای مبارزه ای وسیع و همه جانبه " و در پیوند با جنبش
 طبقه کارگر ، به يك سازمان پایدار ، استوار و ادامه کار
 تکامل یابد ، اما امروز تکرار کهنه شده این پیام ، بیان

انفعال ، بی عملی و پاسیفیسم اکنومیستی فقط امثال توکل ها-
است . بازگشت به عقب و توجیهی برای پی ماندگی ! تکرار
بی روح آن آوای شورانگیز دیروز ، امروز نغمه شومی است
که پایداری و ادامه کاری همان محافل اولیه و تنیدن پيله-
های روشنفکری را جستجو می کند که خلاقیت مسعودیکبار
برای همیشه آنرا درید . رفیق توکل راه حل امروز خود
را برای آینده سازمانی ادامه کار و پایدار بر آنچه حادث
نشده است ، نهاده است . نه بر آنچه باید بوجود بیاید . تکرار
توکل کاریکاتور مضحك خلاقیت پویای مسعود است ! " اما
تحریف توکل بهتر مشخص میشود وقتی مابقی همان جمله ای
را که او تحریف کرده است در نظر آوریم :

" آخر ما در گذشته بر این نظر نادرست پای می فشردیم
که برای ایجاد سازمان انقلابی ادامه کار نخست بسایند
سازمان روشنفکران را ایجاد کرد و سپس باجنبش طبقه کارگر
پیوند برقرار نمود ، رفیق توکل ما از گذشته نیز یک کام
به پس تر گذاشته و همین سازمان روشنفکران را با دستهایی
به برنامه و تفکیک مرز عضو و غیر عضو ، سازمان انقلابیون
ادامه کار و پایدار معرفی می کند . "

و یا " ادراك اکنومیستی توکل او را واداشته است تا
همانند همه اکنومیستهای تاریخ عنصر آگاه را کاملاً بی بها
کرده ، استنتاجات تئوریک و محفوضات ذهنی خویش را که
از حرکت جاری و خودبخودی پدید آمده با بصورت مکانیکی
برداشت شده است بجای آن راه حل های واقعی بنشانند
که باید با یک حرکت نقشه مند و با برنامه سمت تا مملی
بیابد . " توکل این جملات را وارونه کرده می نویسد :

" معنای واقعی گفتار امین این است که اکنومیست
بودن توکل از نوع خاصی است ! و آن پربها دادن به عامل

ذهنی و سرفرود آوردن در برابر آگاهی است !! "

اما تحریفات توکل از این دست زیاد است . مورد دیگری که به همین بحث برمیگردد ، آنجا خود را نشان میدهد که من با توجه به همین بید از مشی سازمانی گذشته مان و تاکید بر این که درك توکل از سازمان انقلابیون حرفه ای لنیون سازمان روشنفکران است نوشته ام :

" رفیق توکل در دنیای بی خبری بایك قیاس به نفس ساده تجربه پانزده ساله سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را نادیده گرفته است کاشف عزیز شست اش هم خبردار نشده است که شالوده این " سازمان انقلابیون حرفه ای " مورد نظر او بامضمون انقلابی آن مرکب از حرفه ای ترین انقلابیون و حتی بشکل افراطی در اواخر دهه چهل بی افکنده شده و در دوران طولانی مبارزه مخفیی عناصر انقلابی بسیار با مهارتی رادر خود پرورش داد . " و

" رفیق توکل ساده لوح ما که اولین بار است به چه باید کرد لنین چشم می اندازد " ، " بعد از هشتاد و چند سال که از عمر چه باید کرد ؟ لنین می گذرد و بعد از گذشت پانزده سال از حیات سازمان فشرده ، محدود ، منظم ، پنهانکار و دارای کادرهای مجرب ، حرفه ای و ورزیده در فن مبارزه با پلیس ، تازه به صراحت اندیشیدن درباره ایجاد سازمانی مرکب از انقلابیون حرفه ای " افتاده است و جدا کردن اعضا از توده هوادار ! "

هر آدم ساده ای از این جملات این حقیقت را می فهمد که من سازمان انقلابیون حرفه ای مورد نظر توکل را در نظر داشته ام و نه سازمان انقلابیون حرفه ای لنین را ولی توکل این بحث را به مبتدل ترین شکل بایك جمله سرودم برپسده دیتر چنین تحریف میکند : " اما امین با ساده لوحی تمام میگوید : " پانزده سال از حیات سازمان فشرده محدود ،

منظبط و پنهانکار و دارای کادرهای مجرب ، حرفه ای و ورزیده در فن مبارزه با پلیس گذشته است . " توکل سپس به شیوه معمول خود نتیجه می گیرد : " درك محدود عامیانه وعموم خلقی را از سازمان انقلابیون حرفه ای می بینید ! پانزده سال است که سازمان انقلابیون حرفه ای در ایران وجود دارد " توکل از آنجا که از وضعیت سازمان پیش از قیام مطلقاً اطلاعی ندارد . بایک تبصره مبنی بر اینکه " اگر بفرض و باوجود گزایشات عموم خلقی ، ما تا قیام بانظر امین هم عقیده باشیم " ، از بحث این دوره می گذرد و ادامه میدهد : چه کسی میتواند انکار کند که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از قیام بی دروپیکرترین تشکیلات ممکن در ایران بود " سازمانی که فاقد برنامه و تاکتیکهای منسجم حزبی بود ، البته نمی توانست خط و مرزهای کاملاً صریح و روشن این تشکیلات را از توده هوادار که چه عرض کنم ، از لیبرالها و دمکراتها و غیره و ذالک مجزا سازد . " البته من با این قسمت بحث توکل کاملاً موافق هستم چون اگر قبل از قیام سازمانی بایک خط و مشی غیر حزبی سازمان انقلابیون حرفه ای لنین نبود ، اما حداقل دروازه محکمی آنرا از توده هوادار که چه عرض کنم ، لااقل از لیبرالها و دمکراتها و غیره جدا می ساخت و امثال توکل دستشان به آن نمی رسید ! ولی برآستی اگر بعد از قیام سازمان به بی دروپیکرترین تشکیلات تبدیل نشده بود ، چگونه امثال امین میتوانند جناب توکل را یکباره و با آن " عملکرد " انفعالی دوران پیشین ، در تحریریه نشریه کار سازمانی قرار دهند . جناب توکل می بینید که خوشبختانه هیچ نسبت خانوادگی هم با شما نداشته ام . اما آنچه امروز برخلاف توکل برای ما تجربه شده است ، خاتمه بخشیدن به اینگونه گزینش های غیر حزبی و پی افکندن آن سیستم حزبی و مشی سازمانی لنینی

است که دیگر افراد به اینصورت با میل یا شناخت فردی خود، دروازه تشکیلات را بروی هر لیبرال و دمکراتی بگشایند، کاری که امروز جناب توکل نه تنها سخت بدان راغب است، نه تنها این بحث ها را محل آسایش خود میداند، بلکه به اساسنامه ای که فقط این دروازه های گل و گشاد را فراخ ترمینکند، دودستی چسبیده است تا باوارد نمودن هر عنصر لیبرال و دمکرات و به اسم " انقلا بیون حرفه ای " محفل خانوادگی خود را گرم نگهدارد .

۱۲ - گیومه ها قسمتهائی از نامه ای است که در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۶۲ در رابطه با وضع تشکیلات به اجلاس مرکزیت ارائه دادم من متن کامل این نوشته را برای اطلاع اعضا سازمان از کم و کیف مسائل مورد مشاجره عینا در تاریخ ۲۲ مهر ماه گذشته نیز همراه با دلائل استعفایم از هیات تحریریه و دلائل امتناع از نشست مشترک با توکل، ارائه داده ام که هنوز در اختیار تشکیلات قرار نکرفته است . علی رغم این وقفه شرم آور من همینجا بر ضرورت اطلاع کلیه رفقای که در جریان مباحثات قرار دارند از مضمون این نامه ها تأکید می ورزیم !

۱۳ - بعدا توضیح خواهم داد که این گرایش چگونه حتی بعد از رفتن مهدی سامع نیز در حیطه سیاسی نمایندگی می شد . چرا جناب توکل در جریان آغاز درگیری های حزب دمکرات و کومه له (حادثه گلپه) پایش را دریک کفش کرده بود که بر همان روال سابق موضع گیریهای بینابینی و کدخدامنشانه گذشته ادامه دهد و بجای موضع گیریهای مشخص بایک اطلاعیه بی طرفانه مبنی بر محکومیت هر دو طرف خود را از شر معضلات جنبش خلق کرد نجات بخشد ! توکل حتی بعد ها نیز به این بهانه که " نیستیم " مخالف برخورد فعال مادر حادثه اورامان و پس از آن بود (اینهم سکوت امین در برابر تاکتیک برخوردبانبروها و جریانات

۱۴ - بخشهای مختلف این نامه بعد از انشعاب تحسنت
عنوان " پاسخ اقلیت به نامه اکثریت " مورد بررسی قرار
گرفت .

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com



از انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران